
تبیین مؤلفه‌های استکبارستیزی در گفتمان مقاومت اسلامی بر اساس مبانی مکتب شهید سلیمانی

احمد هلیچی

کارشناسی ارشد علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد اهواز.

چکیده

با توجه به نیاز روزافزون به تدوین الگوهای راهبردی در مکتب شهید سلیمانی، این پژوهش با هدف تبیین مؤلفه‌های استکبارستیزی در حوزه گفتمان مقاومت اسلامی انجام شده است. پیوندهای درونی میان انقلاب اسلامی و فرهنگ مقاومت در منطقه، بستری را فراهم آورده که کانون الهام‌بخش آن نظام اسلامی ایران و آموزه‌های مبارزاتی تشیع است. از این رو، تقویت گفتمان مقاومت در منطقه به معنای گسترش مرزهای تأثیرگذار فرهنگی انقلاب و مکتب اهل بیت (ع) تلقی می‌شود. پژوهش حاضر در چارچوب نظریه گفتمان و با روش تحلیل تاریخی، در پی پاسخ به این پرسش اساسی است که مؤلفه‌های بنیادین استکبارستیزی در مکتب شهید سلیمانی کدامند و این مکتب چه تأثیری بر ارتقای جایگاه جبهه مقاومت داشته است؟ نتایج تحقیق نشان می‌دهد که شهید سلیمانی با بازپردازی هویت دینی در عرصه نظامی و دیپلماسی، استکبارستیزی را از یک مفهوم انتزاعی به یک الگوی عملیاتی پیروزمندانه تبدیل کرد. این مکتب با به چالش کشیدن قدرت‌های سلطه‌گر، روح تازه‌ای در کالبد جهان اسلام دمیده و سردار سلیمانی را به عنوان نماد هویت ایرانی اسلامی مقاومت در سطح بین‌المللی تثبیت نموده است.

کلیدواژه‌ها: استکبارستیزی، مکتب شهید سلیمانی، گفتمان مقاومت اسلامی، انقلاب اسلامی، هویت دینی.

مقدمه

با پیروزی انقلاب اسلامی ایران در اواخر قرن بیستم، گفتمان مقاومت به عنوان پیشران اصلی مقابله با استکبار جهانی و سلطه خارجی، جایگاهی محوری در معادلات سیاسی جهان اسلام یافت. این گفتمان که ریشه در آموزه‌های وحیانی و سیره اهل بیت (ع) دارد، فراتر از یک واکنش نظامی، به مثابه یک ساختار هویتی نوین مطرح شد که هدف آن نفی سلطه‌پذیری و احیای عزت اسلامی است. پیروزی، تداوم و صدور ارزش‌های انقلاب اسلامی، بیش از هر چیز مرهون نهادینه شدن فرهنگ مقاومت و استکبارستیزی در میان ملت ایران و ملل آزاده منطقه است. تاریخ چهل ساله حیات سیاسی و اجتماعی جمهوری اسلامی نشان می‌دهد که گفتمان مقاومت نه تنها در مواجهه با چالش‌های داخلی، بلکه در ابعاد فرامرزی نیز توانسته است با تکیه بر روحیه ایستادگی، طرح‌های استکباری نظیر خاورمیانه جدید را خنثی کرده و فرهنگ مبارزه با سلطه را در کالبد ملت‌های مسلمان بارور سازد.

نمودهای عینی این تفکر را می‌توان در عملکرد جنبش‌هایی نظیر انتفاضه فلسطین، حزب‌الله لبنان، حشدالشعبی عراق و انصارالله یمن مشاهده کرد. راهبرد مقاومت اسلامی، فراتر از یک تاکتیک دفاعی، پیشران کارآمدی برای نظام اسلامی بوده و تصویری سازنده از اقتدار دینی در افکار عمومی نخبگان آزادی‌خواه جهان ترسیم کرده است. باید توجه داشت که استکبارستیزی یک مسئله فطری و بشری است که در فلسفه سیاسی ذیل حق مقاومت شناخته می‌شود. در ادبیات جهانی، مقاومت پیوندی وثیق با نفی سلطه دارد، اما قرائت اسلامی از این مفهوم، با پیوند زدن آن به مبانی کلامی و انتظار منجی، ابعادی متعالی به خود گرفته است.

امروزه به دلیل پیچیدگی شیوه‌های استکبار در تغییر معادلات منطقه‌ای، مبارزه با استعمار نوین وارد عرصه‌ای شده است که از آن به عنوان مکتب سلیمانی یاد می‌شود. این مکتب با تکیه بر کنشگری فعال در میدان، توانست ماشین جنگی جریان‌های تکفیری را که بازوی نیابتی استکبار بودند، از کار انداخته و با تروریسم بین‌المللی مبارزه کند. آمارهای مربوط به تجاوزات استکباری در مناطقی همچون یمن، عراق و سوریه نشان می‌دهد که تقابل میان نظام ولایی و جریان‌های سلطه‌گر پس از انقلاب اسلامی، به شکلی بنیادین تغییر ماهیت داده است. شهید سلیمانی با درک صحیح از تضاد ماهوی میان سیاست‌های حق‌طلبانه و جبهه استکبار، بر این نکته تأکید داشت که تضاد ما با دشمن، تضاد در منهج و سیاست است (سلیمانی، ۱۳۹۸). از منظر ایشان، ادعاهای حاکمیتی استکبار تنها با منطق استکبارستیزی و اعتقاد به حکومت صالحان بر اساس وعده الهی در قرآن کریم قابل دفع است (انبیا، ۱۰۵).

مکتب سلیمانی با بازنمایی رابطه میان انتظار و مقاومت، هویت دینی را در رویکرد فرماندهی نظامی بازتعریف کرد. این مکتب نه تنها ایران را از خطرات پیرامونی حفظ کرد، بلکه با تقویت جبهه مقاومت، موازنه قدرت را به نفع ملت‌های مسلمان تغییر داد. از این رو، تبیین مؤلفه‌های استکبارستیزی در این مکتب، ضرورتی است که می‌تواند الگوی عملیاتی موفق را برای آینده جهان اسلام ترسیم نماید.

۱-۱. اهداف و سؤالات پژوهش

هدف اصلی این پژوهش، تبیین عوامل مؤثر بر استکبارستیزی در حوزه گفتمان مقاومت اسلامی بر اساس مبانی مکتب حاج قاسم سلیمانی است. در این راستا، سؤالات زیر دنبال می‌شود:

۱. مؤلفه‌های بنیادین استکبارستیزی در مکتب شهید سلیمانی در چارچوب گفتمان مقاومت کدامند؟
۲. جایگاه مکتب حاج قاسم سلیمانی در تقویت روحیه استکبارستیزی و پیشبرد سیاست‌های کلان نظام اسلامی در منطقه چگونه تبیین می‌شود؟

۱-۲. فرضیات پژوهش

۱. گفتمان مقاومت در مکتب شهید سلیمانی با ارائه تعریفی مقتدرانه از اسلام، به عنوان الگویی بدیل در برابر سلطه استکبار جهانی عمل کرده و نیروهای حق طلب را حول محور نفی سلطه سازماندهی می‌کند.

۲. شهید سلیمانی به عنوان نماد هویت ایرانی اسلامی، با بازپردازی مؤلفه‌های دینی در عرصه میدانی، استکبارستیزی را به یک راهبرد پیروزمندانه و تمدن‌ساز تبدیل کرده است.

بررسی مطالعات پیشین نشان می‌دهد که موضوع مقاومت و جایگاه فرماندهان در گفتمان انقلاب اسلامی همواره مورد توجه پژوهشگران بوده است:

نوری (۱۴۰۳). در پژوهشی به تفحص الگوی کارآمدی جبهه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای پرداخت. یافته‌های این مطالعه نشان داد که الگوی کارآمدی مقاومت مستخرج از شبکه مضامینی شامل پنج بعد و بیست و هفت مؤلفه بر اساس مفاهیمی همچون معنویت‌گرایی و تکلیف‌محوری است.

خزلی و همکاران (۱۴۰۲). در پژوهشی به تحلیل الگوی مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری پرداختند. این تحقیق با استفاده از روش تحلیل مضمون، الگوی مقاومت را در چهار بعد و بیست و دو مؤلفه شناسایی کرد که زیربنای آن بر نفی سلطه‌پذیری و معنویت‌گرایی استوار است.

قاسمی (۱۴۰۱). در پژوهشی به بررسی نقش گفتمان انقلاب اسلامی در مقاومت انصارالله یمن پرداخت. نتایج این تحقیق نشان داد که انقلاب اسلامی بر اساس ماهیت هستی‌شناختی خود، حمایت از نیروهای مقاومت در رویارویی با نظام استکباری را ضروری می‌داند. یافته‌ها حاکی از آن است که مؤلفه‌های سیاسی و نظامی در ارتقای توان دفاعی نیروهای مقاومت منطقه تأثیر مستقیم داشته است. پرویزی (۱۴۰۰). در پژوهشی به بررسی گفتمان مقاومت اسلامی و نقش شهید حاج قاسم سلیمانی در پیشبرد اهداف آن پرداخت. نتایج تحقیق وی نشان می‌دهد که با شکل‌گیری جبهه مقاومت متکی بر باورهای دینی، اقتدار استکبار در منطقه به چالش کشیده شد. در این میان، شخصیت بصیر شهید سلیمانی در پیشبرد سیاست‌های کلان نظام به الگویی تبدیل شد که نماد بازپردازی هویت دینی در گفتمان حاکم بر نظام اسلامی است.

۲. مبانی مکتب حاج قاسم سلیمانی

۲-۱. تبیین مفهوم مکتب

مفهوم مکتب در حوزه اندیشه‌شناسی به مجموعه‌ای منسجم از جهان‌بینی و ایدئولوژی اطلاق می‌شود که ابتدا به تفسیر بنیادین از انسان و هستی پرداخته و سپس نظام بایدها و نبایدهای کنشی را ترسیم می‌کند. یک مکتب فکری فراتر از نظریه، هم نیاز به تبیین هستی‌شناختی را مرتفع می‌سازد و هم نظام ارزشی جامعی برای تعیین جهت‌گیری‌های فردی و اجتماعی ارائه می‌دهد. در واقع، مکتب تلاقی‌گاه بینش و کنش است که مسیر حرکت به سوی غایات متعالی را هموار می‌سازد. استاد شهید مرتضی مطهری در تبیین این مفهوم معتقد است که مکتب، یک نظریه کلی و طرحی جامع و هماهنگ است که هدف غایی آن کمال انسان و تأمین سعادت همگانی است. در این ساختار فکری، خطوط اصلی، روش‌ها، مسئولیت‌ها و تکالیف فرد در قبال جامعه و خالق به روشنی مشخص

شده است (مطهری، ۱۳۹۲). بر این اساس، مکتب راهکاری برای درمان دردهای بشری و پاسخی به نیازهای فطری در مسیر عدالت‌خواهی و استکبارستیزی است.

۲-۲. جایگاه نمادین سردار سلیمانی در گفتمان انقلاب

شهید سردار حاج قاسم سلیمانی به عنوان یکی از محبوب‌ترین چهره‌های تاریخ معاصر و نماد عینی مبارزه با نظام سلطه شناخته می‌شود. مشی مجاهدانه ایشان نشان‌دهنده اولویت مطلق عزت اسلام و دفاع از مظلومان در منظومه فکری‌شان بود. زندگی این شهید به طور کامل وقف مبارزه با ظالمان شد و همواره نگاه راهبردی خود را با افق دید مقام ولایت هماهنگ می‌ساخت. واقعه شهادت ایشان در فرودگاه بغداد که به دستور مستقیم رئیس‌جمهور ایالات متحده صورت گرفت، نقطه عطفی در تاریخ مقاومت اسلامی محسوب می‌شود. این رخداد چهره عریان استکبار جهانی را بیش از پیش نمایان ساخت و ضرورت تقویت گفتمان مقاومت را در سطح بین‌المللی دوچندان نمود.

۲-۳. ماهیت و ارکان مکتب حاج قاسم

مکتب حاج قاسم مجموعه‌ای از اعتقادات مستحکم و رفتارهای هدفمندی است که از تلاقی ایمان قلبی و اخلاق عملی نشأت می‌گیرد. این مکتب شخصیتی جامع ارائه می‌دهد که در آن تمامی ساحت‌های زندگی تحت‌الشعاع آرمان‌های الهی قرار دارد. سردار سلیمانی مصداق انسانی است که توانست میان میدان نظامی و معنویت دینی پیوندی ناگسستنی ایجاد کند و راهبری جبهه استکبارستیزی را به یک الگوی تربیتی تبدیل نماید.

۲-۴. سیره رفتاری و الگوی تربیتی سردار

شهید سلیمانی دوران دفاع مقدس را فراتر از نبرد نظامی، عاملی برای تربیت و تعالی روح می‌دانست. از منظر ایشان، فرماندهان همچون مدار مغناطیسی بودند که نیروهای مخلص را به سوی آرمان‌ها جذب می‌کردند. این نگاه تربیتی باعث شد ایشان در برخورد با چالش‌های امنیتی، رویکردی اصلاح‌گرانه و مبتنی بر جذب حداکثری برگزیند. حضور مستمر در خطوط مقدم نبرد، علاوه بر مدیریت راهبردی، با هدف پشت‌گرمی دادن به مجاهدان صورت می‌گرفت. تواضع ویژه و پرهیز از تحمیل کارهای شخصی به دیگران، از ایشان الگویی ساخت که حتی در پیچیده‌ترین نشست‌های دیپلماتیک نیز بر اصول اخلاقی پایبند بود. این اخلاق‌مداری و سادگی، جوهره اصلی مکتبی است که مرزهای جغرافیایی را درنوردیده است.

۲-۵. مرجعیت رفتاری و اسوه‌سازی

مطابق با بیانات مقام معظم رهبری، باید به سردار شهید به چشم یک مدرسه درس‌آموز نگریست. شهید سلیمانی بر این باور بود که تأثیر مدیر و فرمانده، تأثیری جمعی است و مردم از سلوک رهبران خود الگو می‌گیرند. رزمندگان در دوران دفاع مقدس از فرماندهان خود همچون یک مرجع تقلید در اخلاق و مدیریت پیروی می‌کردند. این ویژگی باعث شد ایشان به عنوان اسوه حمایت از مستضعفان و یکی از برجسته‌ترین مربیان جبهه مقاومت در جهان اسلام شناخته شود.

۲-۶. مؤلفه‌های بنیادین مکتب: ایمان و ولایت

نخستین پایه این مکتب، ایمان به خداست که در تفکر شیعی شرط قبولی تمامی عبادات دانسته می‌شود. شهید سلیمانی معتقد بود کسی که از خدا بترسد، خداوند هیبت او را در دل تمامی دشمنان می‌افکند. اخلاص ایشان در بیان، عمل و فکر تجلی می‌یافت و مکتوباتشان سرشار از اشتیاق به وصال الهی است. عنصر دوم، ولایت‌مداری است. نظام ولایی حاج قاسم بر پایه حرکت در مسیر

خواست ولی فقیه استوار بود. ایشان اعتقاد حقیقی به ولایت فقیه را شرط اصلی واگذاری مسئولیت‌ها می‌دانست و عنصر رهبری را رکن اساسی پیروزی در برابر جبهه استکبار قلمداد می‌کرد.

۲-۷. حرکت جهادی و منطق استکبارستیزی

جهاد در مکتب سلیمانی به معنای تلاش بی‌وقفه در راه خدا با جان و مال است. ایشان با وقف خود برای انقلاب، به احیاگر نهضت مقاومت تبدیل شد و توانست آبروی پایمال شده جوامع اسلامی توسط جریان‌های تکفیری را بازیابی کند. پرهیز از تظاهر و ریا از دیگر شاخصه‌های ایشان بود؛ به طوری که همواره گمنامی را بر شهرت ترجیح می‌داد. ابراز احساسات صادقانه نسبت به خانواده شهدا و ارادت قلبی به اهل بیت، وجه عاطفی این فرمانده مقتدر را در کنار صلابت نظامی‌اش به زیبایی به تصویر می‌کشید.

۲-۸. خدمت بی‌منت و وفای به عهد

در مکتب سلیمانی، مردم‌داری و خدمت به خلق، مسیری برای رسیدن به قرب الهی است. ایشان همواره خود را خدمت‌گزار مجاهدان می‌نامید و هرگز بر کسی منت نمی‌گذاشت. وفای به عهد نیز از برجسته‌ترین ویژگی‌های ایشان بود؛ به طوری که وعده‌هایشان در زمینه نابودی حاکمیت داعش، امید را در دل مظلومان زنده کرد. ایشان با صداقت تمام، اشتباهات را می‌پذیرفت و همواره تلاش می‌کرد صدق گفتار خود را در میدان عمل به ملت ثابت کند. روحیه شهادت‌طلبی ایشان که در جمله «ما ملت شهادتیم» تجلی یافت، نشان‌دهنده ترجیح حیات طیبه اسلام بر زندگی شخصی بود.

۲-۹. عدالت و شجاعت تدبیرمحور

عدالت در این مکتب، قیام برای احقاق حقوق عامه و حرکت در مسیر حق است. ایشان مسیر عدالت را جریانی همگانی می‌دانست که باید در تمام عرصه‌ها تداوم یابد. شجاعت ایشان نیز همواره با تدبیر و عقلانیت همراه بود. ایشان با شجاعت بی‌نظیر به دل خطر می‌رفت، اما این رفتار برخاسته از ایمان قلبی بود که نقشه‌های پیچیده استکبار را خنثی می‌کرد.

۳. چارچوب‌های نظری گفتمان

۳-۱. ساحت لغوی و معنایی گفتمان

واژه گفتمان در دهه‌های اخیر به یکی از پرکاربردترین اصطلاحات در حوزه‌های علوم سیاسی و جامعه‌شناسی تبدیل شده است. ریشه این واژه به معنای گفتگو و حرکت به جهات مختلف است که در فارسی به عنوان معادل دیسکورس برگزیده شد. مفهوم گفتمان فراتر از مکالمه، به ساختارهای فکری و نظام‌های معنایی اشاره دارد که به کنش‌های انسانی جهت می‌دهند. گفتمان مجموعه‌ای منظم از گزاره‌ها، نهادها و سازمان‌هاست که واقعیت‌های اجتماعی در درون آن ساخته و تفسیر می‌شوند (مک‌دانل، ۱۳۸۰). اندیشمندانی همچون راجر فولر، گفتمان را مشتمل بر ارزش‌هایی می‌دانند که شیوه نگرش ما به جهان را می‌سازند.

۳-۲. تبارشناسی و دیرینه‌شناسی از منظر میشل فوکو

میشل فوکو تحول بنیادینی در مفهوم گفتمان ایجاد کرد. از نظر او، گفتمان مجموعه‌ای از گزاره‌هاست که در یک دوره تاریخی معین، قواعد نانوشته‌ای را برای تولید دانش و اعمال قدرت تعیین می‌کنند. فوکو معتقد است که گفتمان‌ها همساز با ساختارهای قدرت هستند و تعیین می‌کنند که چه چیزی به عنوان حقیقت پذیرفته شود. در دیرینه‌شناسی فوکو، هدف مطالعه کنش‌های کلامی جدی

است که از طریق نهادهای معتبر ایجاد می‌شوند. گفتمان انقلاب اسلامی نیز به عنوان یک ساختار نوین، توانست تعاریف سنتی از قدرت و مقاومت را به چالش بکشد (داوودی، ۱۳۸۹).

۳-۳. نظریه مفصل‌بندی ارنستو لاکلا و شنتال موفه

ارنستو لاکلا و شنتال موفه با ارائه رویکردی پسا ساختارگرایانه، نظریه گفتمان را به عرصه تحلیل سیاسی وارد کردند. آن‌ها معتقدند که هیچ پدیده اجتماعی دارای هویت ذاتی نیست، بلکه هویت‌ها در فرایند مفصل‌بندی و در رابطه با دیگر عناصر شکل می‌گیرند. مفصل‌بندی به معنای پیوند زدن عناصر مختلف و ایجاد یک هویت جدید در درون یک منظومه معنایی است (تاجیک، ۱۳۷۷). در این نظریه، هر گفتمان حول یک دال مرکزی شکل می‌گیرد که سایر مفاهیم را به هم پیوند می‌دهد. برای مثال، در گفتمان مقاومت، مفاهیمی همچون استکبارستیزی و ولایت به گونه‌ای مفصل‌بندی شده‌اند که هویتی واحد به نام جبهه مقاومت را پدید آورده‌اند.

۳-۴. تحلیل گفتمان انتقادی

تحلیل گفتمان انتقادی که توسط اندیشمندانی چون نورمن فرکلاف بسط یافت، بر رابطه میان زبان، قدرت و ایدئولوژی تمرکز دارد. این رویکرد معتقد است که زبان ابزاری خنثی نیست، بلکه در بازتولید روابط نابرابر قدرت نقش اساسی دارد (فرکلاف، ۱۳۷۹). در حوزه مطالعات انقلاب اسلامی، تحلیل گفتمان به ما اجازه می‌دهد بفهمیم چگونه مشی عملی سردار سلیمانی توانست در برابر گفتمان مدرنیته غربی، یک ضدگفتمان مقتدر ایجاد کند. این تحلیل نشان می‌دهد که مکتب سلیمانی با تکیه بر بازپردازی هویت دینی، توانست الگوی جدیدی از کنشگری سیاسی و نظامی را ارائه دهد (مطهرنیا، ۱۳۸۹).

به طور خلاصه، مکتب حاج قاسم سلیمانی را می‌توان به عنوان یک صورت‌بندی نوین از گفتمان انقلاب اسلامی در عرصه میدانی تحلیل کرد. این مکتب با ترکیب عناصر ایمان، شجاعت و تدبیر، توانسته است مفصل‌بندی جدیدی از مقاومت ارائه دهد که در آن استکبارستیزی نه یک شعار، بلکه یک ضرورت وجودی برای حفظ عزت ملت‌هاست. درک این مکتب مستلزم شناخت دقیق قواعد گفتمانی و مبانی اعتقادی است که در این فصل مورد واکاوی قرار گرفت.

جدول ۱. خلاصه شاخص‌های مکتب شهید سلیمانی در گفتمان مقاومت

مؤلفه اصلی	شرح و ویژگی‌ها	دلالت در گفتمان مقاومت
ایمان و توحید	اعتقاد قلبی عمیق و انجام امور صرفاً برای رضای الهی	ایجاد قدرت روحی در برابر تهدیدات مادی استکبار
ولایت‌مداری	تبعیت محض و عملی از رهبری نظام اسلامی	انجام بخشی به جبهه مقاومت و وحدت فرماندهی
عقلانیت و تدبیر	انجام اقدامات شجاعانه بر پایه محاسبات دقیق عقلانی	خنثی‌سازی نقشه‌های پیچیده سیاسی و نظامی دشمن
مردم‌داری	خدمت بی‌منت به محرومان و حضور در کنار توده‌ها	تولید قدرت نرم و جذب حداکثری ملت‌های منطقه
شهادت‌طلبی	ترجیح آرمان‌های متعالی بر حیات مادی و شخصی	شکستن ابهت پوشالی قدرت‌های نظامی و سلطه‌گر
مفصل‌بندی هویت	ترکیب هویت دینی، ملی و روحیه استکبارستیزی	ایجاد بلوک قدرت نوین در برابر هژمونی غرب

شاخص‌های گفتمان مقاومت اسلامی

گفتمان مقاومت به عنوان یک کلان‌نظریه برخاسته از بطن انقلاب اسلامی، بر پایه‌های مستحکم معنویت، عقلانیت و کارآمدی استوار شده است. این گفتمان با تاکید بر مردم‌داری و حمایت از مستضعفان، نه تنها مسیری نوین برای ملت ایران ترسیم نمود، بلکه افق‌های جدیدی را پیش روی ملت‌های تحت ستم در منطقه غرب آسیا گشود. تجربیات متراکم حاصل از پیروزی انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس، بستری فراهم آورد تا آموزه‌های ایستادگی به ملت‌های لبنان، فلسطین، سوریه، عراق، یمن و افغانستان منتقل گردد. جبهه مقاومت که امروزه از شرق مدیترانه تا اعماق آسیا گسترش یافته، محصول مستقیم فلسفه شهادت و آرمان‌های شهدای والامقامی است که قدرت نرم و سخت ایران را به جبهه‌ای جهانی تبدیل کردند.

۱-۳. گفتمان انقلاب و تجلیات میدانی آن

تحولات سال‌های اخیر در منطقه، از جمله شکست رژیم صهیونیستی در جنگ‌های ۳۳ روزه و ۵۵ روزه و عملیات راهبردی طوفان الاقصی، همگی ثمرات عینی گفتمان مقاومت هستند. در یمن، انصارالله توانست با تکیه بر همین الگوی ایستادگی، متجاوزان را از خاک خود بیرون براند. در عراق و سوریه نیز مقاومت مردمی منجر به اضمحلال شجره خبیثه داعش شد که به عنوان بازوی نیابتی استکبار و صهیونیسم عمل می‌کرد. فرار ذلت‌بار نیروهای آمریکایی از افغانستان و کاهش حضور آن‌ها در عراق و سوریه، نشان‌دهنده افول هژمونی غرب در سایه قدرت‌گیری گروه‌های مقاومت است. این گفتمان در جهان اسلام، کلید رمز وحدت مسلمین برای آزادی قدس شریف محسوب می‌شود. از منظر راهبردی، اولین شاخصه پیشرفت ملت‌ها، وجود رهبرانی حکیم، شجاع و عادل است که بتوانند با مدیریت منابع، سعادت و عدالت را محقق کنند. تربیت مدیران کارآمد و حضور جوانان مؤمن و خلاق در صحنه‌های جهادی، از دیگر ارکان پیشرفت در این حوزه است. انسجام ملی و وحدت میان اقوام، بزرگترین سرمایه در مقابله با جنگ‌های ترکیبی و شناختی دشمن به شمار می‌رود. انقلاب اسلامی به واسطه قدرت مادی و عقیدتی خود، مبانی مقاومت را مستحکم کرده و با راهبرد مبارزه با نظام نومحافظه‌کاری، مسیر جدیدی را گشوده است (مجنون پیله‌رود، ۲۰۲۶).

در حقیقت، اندیشه عاشورایی به عنوان مکمل مقاومت، پیوندی ناگسستنی با توسعه تفکر شیعی دارد. این شاخص که در نیاز فطری بشر به عدالت ریشه دارد، با اتکا به نصرت الهی، امید را در دل مستضعفان زنده نگاه داشته است. اگر این اراده الهی در قالب جبهه مقاومت متجلی نمی‌شد، نظام سلطه لجام‌گسیخته ممکن بود تمام هویت و موجودیت بشر را به یغما ببرد (اکبری، ۲۰۰۹).

۲-۳. مقاومت در منظومه فکری امام خمینی (ره) و مقام معظم رهبری

برای درک حقیقی گفتمان مقاومت، رجوع به آراء بنیانگذاران نظام ضروری است. امام خمینی (ره) با تمسک به قاعده قرآنی نفی سبیل، هرگونه سلطه سیاسی، اقتصادی و فرهنگی کفار بر مسلمانان را باطل اعلام کردند. ایشان در تحریرالوسیله تاکید دارند که اگر روابط تجاری یا سیاسی با بیگانگان منجر به اسارت مسلمانان شود، برقراری آن روابط حرام و پیمان‌های منعقدۀ باطل است. این دیدگاه فقهی، زیربنای مدیریت تهاجمی و انقلابی در سیاست خارجی گردید. در منظومه فکری رهبری معظم انقلاب نیز، مقاومت ترکیبی از واقع‌بینی، عقلانیت و آرمان‌گرایی است. برون‌داد این راهبرد در سه مفهوم انقلابی بودن، انتقادی بودن نسبت به نظم موجود و تهاجمی بودن علیه ظالمان خلاصه می‌شود. این رویکرد، نه تنها نتیجه‌گرا نیست، بلکه بر تکلیف‌محوری و توحید استوار است.

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که این گفتمان باعث تضعیف نفوذ آمریکا، دفع تهدیدات امنیتی از مرزهای ایران و تقویت جایگاه ژئوپلیتیک شیعیان در منطقه شده است (قاسمی، ۲۰۱۸).

۳-۳. شاخص‌ها و ابعاد کلان گفتمان مقاومت

گفتمان مقاومت دارای شاخص‌های معینی است که آن را از سایر نظام‌های سیاسی متمایز می‌کند. این شاخص‌ها عبارتند از: مبارزه مستمر با صهیونیسم، نفی نظام سلطه، عدم تعهد منتقدانه نسبت به قدرت‌های بزرگ، تلاش برای برقراری حکومت صالحان و مقاومت فرهنگی در برابر تهاجم غرب. این گفتمان در دو بعد سلبی و ایجابی قابل تحلیل است:

الف) بعد سلبی: شامل نفی استکبار، نفی توسعه‌طلبی و تجاوزگری، نفی تفرقه میان مسلمین و نفی سکولاریسم افراطی است.
ب) بعد ایجابی: شامل حمایت از مظلومان، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی، صلح‌جویی بر پایه عزت، کرامت انسانی و توازن میان آرمان‌گرایی و واقع‌بینی است.

۳-۴. مؤلفه‌های فرهنگی در جهان اسلام

خاورمیانه به لحاظ ژئوپلیتیک، قلب جهان محسوب می‌شود. در دهه‌های اخیر، ایدئولوژی‌های مقاومت اسلامی از حاشیه به متن تحولات بازگشته‌اند. فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان مؤلفه قدرت نرم، خاستگاه باورهای دینی مردم است که در هر دوره‌ای از آن غفلت شده، ذلت به دنبال داشته است. امروزه دشمنان با پروژه‌های اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی و با همسان‌سازی مقاومت با بنیادگرایی سلفی، در صدد تخریب این جبهه هستند. بنابراین، شناسایی مرزهای میان مقاومت اصیل و تکفیر، از ضرورت‌های تئوریک است. در نظریه لاکلا و موفه، دال‌های مرکزی این گفتمان شامل اسلام سیاسی، اعتقاد دینی و هویت ملی است که مقاومت را از امپریالیسم و سلفی‌گری متمایز می‌کند (دبیری‌مهر، ۲۰۲۱). ایران به عنوان مرکز ثقل این گفتمان، بستر آزمون قابلیت‌های اسلام سیاسی در جهان معاصر بوده است.

۳-۵. قدرت و مقاومت در نظریات جامعه‌شناسی سیاسی

مفهوم مقاومت در علوم انسانی جایگاهی ویژه دارد. جان فوران از تنش به عنوان هسته مرکزی مقاومت یاد کرده و معتقد است جنبش‌ها محصول ایستادگی در برابر سلطه خارجی و استبداد داخلی هستند (فوران، ۲۰۰۶). مانوئل کاستلز نیز با طرح مفهوم هویت‌های مقاوم، بنیادگرایی اسلامی را یکی از مصادیق آن برمی‌شمرد. در نگاه پسامدرنیستی میشل فوکو، قدرت و مقاومت هم‌زاد یکدیگرند؛ یعنی هر جا قدرت اعمال شود، مقاومت نیز شکل می‌گیرد و شرط وجود قدرت، رابطه مستمر با مبارزه و آزادی است (فوکو، ۲۰۰۶).

۳-۶. تأثیرات منطقه‌ای و جهانی گفتمان مقاومت

شهید قاسم سلیمانی به عنوان بال اجرایی سیاست خارجی، الگوهایی را بنا نهاد که راهگشای بن‌بست‌های دیپلماتیک است. گسترش هنجارهای سیاسی شیعه که در سال ۲۰۰۶ با عنوان هلال شیعی از آن یاد شد، در واقع انعکاس قدرت مقاومت در محیط بین‌الملل است (پوستینچی، ۲۰۱۲). امنیت ملی ایران به ثبات محور مقاومت گره خورده است؛ لذا حمایت از دولت‌های مستقل در عراق و سوریه و تقویت گروه‌هایی چون حزب‌الله و حماس، ضریب امنیتی ایران را به شدت افزایش داده است (آدمی، ۲۰۱۵). این گفتمان در تقابل با لیبرالیسم قرار دارد و توانسته است یکه‌تازی آمریکا را به نقطه افول نزدیک کند. امروزه گفتمان مقاومت حتی در غرب نیز گسترش یافته و ملل مسلمان را به سوی استقلال و ولایت‌پذیری دینی سوق داده است.

۳-۷. نظم نوین انقلابی در برابر نظم جهانی

نظریه نظم نوین انقلابی بر پایه آرمان برپایی حکومت عدل جهانی شکل گرفته است. این نظریه که از وصایای امیرالمؤمنین (ع) الهام گرفته، هماهنگی میان نظم داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی را بدون اصلاح مناسبات میان ملت‌ها علیه رژیم‌های یاغی غیرممکن می‌داند. عقلانیت راهبردی ایجاد می‌کند که با دیپلماسی نهضتی، ملت‌های ستمدیده را علیه اشغال و تکفیر متحد کنیم. بیانیه گام دوم انقلاب نیز بر برجیدن بساط نفوذ نامشروع آمریکا از منطقه تاکید ویژه‌ای دارد که مانیفست اصلی انقلابی‌گری در عصر حاضر است.

۳-۸. چالش‌ها و چشم‌اندازهای آینده

گفتمان مقاومت علیرغم پیروزی‌های میدانی، با چالش‌های تئوریک روبروست. برای عبور از مرحله اسطوره به عرصه تصور اجتماعی همگانی، این گفتمان باید دال‌های شناور خود را به درستی معنابخشی کند تا با ریزش نیرو مواجه نشود (دبیری‌مهر، ۲۰۱۳). اسطوره تنها تقاضای یک گروه خاص را نمایندگی می‌کند، اما تصور اجتماعی همگانی است. چالش آینده این است که چگونه مقاومت به یک گفتمان عمومی جهانی تبدیل شود. سامندهی بحران‌های منطقه‌ای جز از طریق بازسازی مداوم تئوریک ممکن نیست و شکست در این حوزه می‌تواند مقدمه‌ای برای تضعیف تمدن اسلامی باشد.

۳-۹. شهید سلیمانی؛ نماد مکتب و امتداد امت

حاج قاسم سلیمانی تنها یک فرمانده نظامی نبود، بلکه نماد یک جریان و اندیشه مولود انقلاب اسلامی است. ایشان توانست جریانات مختلف شیعه، سنی و حتی غیرمسلمان را حول محور مقاومت بسیج کند. حاج قاسم یک مکتب است، به این معنا که قابلیت الگوپذیری و امتداد دارد. نباید ایشان را صرفاً یک شخصیت کاریزماتیک دست‌نیافتنی کرد، بلکه باید از سیره ایشان برای تربیت نسل‌های آینده توشه گرفت. ایشان تصویر فراملی ایران را ارتقا داد و با تلفیق استراتژی سخت و نرم، معادلات قدرت را تغییر داد. تشکیل ناتوی مقاومت با حضور نیروهایی از افغانستان، پاکستان، آذربایجان، عراق و سوریه، محصول مجاهدت‌های ایشان است. در نهایت، گفتمان مقاومت تنها راهکار موثر غلبه بر مسائل جهان اسلام است. تجربه تاریخی ثابت کرده است که هر کجا ملت‌ها راه ایستادگی را برگزیدند، به عزت رسیدند. این مقاومت است که امروزه واقعیت‌های بین‌المللی را رقم می‌زند و نظم سلطه را به چالش

۴. شاخص‌های گفتمان مقاومت اسلامی

گفتمان مقاومت به عنوان یک کلان نظریه برآمده از متن انقلاب اسلامی، بر ارکانی همچون معنویت، عقلانیت و کارآمدی استوار است. این ساختار فکری با اولویت دادن به مردم‌داری و حمایت از مستضعفان، نه تنها مسیر نوینی برای ملت ایران ترسیم کرد، بلکه افق‌های رهایی‌بخشی را پیش روی ملل تحت ستم در غرب آسیا گشود. انتقال آموزه‌های ایستادگی از تجربیات انقلاب اسلامی و دفاع مقدس به ملت‌های لبنان، فلسطین، سوریه، عراق و یمن، جبهه مقاومت را از شرق مدیترانه تا اعماق آسیا گسترش داده است. این جریان محصول پیوند فلسفه شهادت با آرمان‌های والایی است که توانست قدرت نرم و سخت ایران را به یک جبهه پایدار جهانی تبدیل کند.

۴-۱. گفتمان انقلاب و تجلی در عرصه‌های میدانی

تحولات راهبردی منطقه در دهه‌های اخیر، از جمله پیروزی در نبردهای ۳۳ روزه و ۵۵ روزه و عملیات طوفان الاقصی، نمودهای عینی کارآمدی گفتمان مقاومت هستند. پیروزی انصارالله در یمن و اخراج متجاوزان، در کنار ایستادگی ملت‌های عراق و سوریه در برابر

جریان تکفیری داعش که بازوی نیابتی استکبار محسوب می‌شود، نشان از تغییر موازنه قدرت دارد. افول هژمونی غرب که در فرار نیروهای آمریکایی از افغانستان و کاهش حضور آن‌ها در منطقه نمایان شد، نتیجه مستقیم قدرت‌گیری این گروه‌هاست. از منظر راهبردی، پیشرفت ملل در این گفتمان مرهون رهبری حکیمانه، تربیت مدیران مدبر و حضور جوانان مومن با روحیه جهادی است. انسجام ملی و وحدت اقوام برای مقابله با جنگ‌های شناختی، بزرگترین سرمایه برای نیل به منزلت بین‌المللی محسوب می‌شود. انقلاب اسلامی با تکیه بر قدرت مادی و عقیدتی خود، مبانی مقاومت را مستحکم کرده و راهبردی نوین در مبارزه با نظام سلطه گشوده است (مجنون پیل‌رود، ۲۰۲۶). در این میان، پیوند اندیشه عاشورایی با ظرفیت‌های ملی، حرکتی رو به جلو ایجاد کرده که امید به تحقق وعده‌های الهی را در دل مستضعفان زنده نگاه می‌دارد (اکبری، ۲۰۰۹).

۲-۴. مقاومت در منظومه فکری امام خمینی و مقام معظم رهبری

درک عمیق گفتمان مقاومت مستلزم رجوع به مبانی فکری بنیانگذاران نظام اسلامی است. امام خمینی با استناد به قاعده نفی سبیل، هرگونه تسلط سیاسی یا فرهنگی بیگانگان بر مقدرات مسلمین را باطل دانسته و بر گسست روابط ذلت‌بار تأکید داشتند. این رویکرد فقهی، زیربنای مدیریتی را شکل داد که در سیاست خارجی به صورت انقلابی و تهاجم علیه ظالمان تجلی می‌یابد. در اندیشه مقام معظم رهبری نیز مقاومت ترکیبی از واقع‌بینی و آرمان‌گرایی است که بر توحید و تکلیف‌محوری استوار گشته است. یافته‌ها نشان می‌دهد که این منطق فکری باعث تضعیف نفوذ فرمانطقه‌ای، دفع تهدیدات امنیتی از مرزها و ارتقای جایگاه ژئوپلیتیک نیروهای مردمی در منطقه شده است (قاسمی، ۲۰۱۸).

۳-۴. ابعاد کلان و شاخص‌های هویتی مقاومت

گفتمان مقاومت دارای شاخص‌های متمایزی است که آن را از سایر نظام‌های سیاسی جدا می‌کند. این موارد شامل نفی نظام سلطه، مبارزه مستمر با اشغالگری، عدم تعهد منتقدانه نسبت به قدرت‌های بزرگ و تلاش برای حاکمیت صالحان است. این گفتمان در دو بعد قابل تحلیل است:

- بعد سلبی: شامل نفی استکبار، نفی تجاوزگری، مقابله با تفرقه و رد سکولاریسم افراطی.
- بعد ایجابی: شامل حمایت از مستضعفان، استقلال‌طلبی، عدالت‌خواهی، صلح‌جویی عزتمندانه و کرامت انسانی.

۴-۴. مؤلفه‌های فرهنگی مقاومت در جهان اسلام

خاورمیانه به عنوان قلب جهان، بستر ظهور ایدئولوژی‌های هویت‌بخشی شده است که پس از انقلاب اسلامی از حاشیه به متن تحولات آمدند. فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان مولفه قدرت نرم، ریشه در باورهای اصیل دینی دارد که غفلت از آن موجب ذلت ملل مسلمان می‌شود. امروزه پروژه‌هایی نظیر اسلام‌هراسی و شیعه‌هراسی در صددند تا مرزهای مقاومت اصیل را با بنیادگرایی سلفی بیامیزند. از این رو، شناسایی دال‌های مرکزی مقاومت شامل اسلام سیاسی، اعتقاد دینی و هویت ملی برای تمایز از جریان‌های تکفیری ضروری است (دبیری‌مهر، ۲۰۲۱). ایران با قرارگیری در مرکز این گفتمان، توانسته است قابلیت‌های اسلام سیاسی را در مواجهه با چالش‌های معاصر به اثبات برساند.

۵-۴. نسبت قدرت و مقاومت در جامعه‌شناسی سیاسی

مقاومت در جامعه‌شناسی سیاسی جایگاهی ویژه یافته است. برخی صاحب‌نظران تنش را هسته مرکزی مقاومت دانسته و آن را واکنشی در برابر خودکامگی دولتی و سلطه خارجی قلمداد می‌کنند (فوران، ۲۰۰۶). همچنین ظهور هویت‌های مقاوم به عنوان

مصدیقی از ایستادگی در برابر جریان‌های غالب جهانی مطرح است. در رویکردهای پسامدرن، قدرت و مقاومت همزاد یکدیگرند؛ به گونه‌ای که وجود قدرت مستلزم رابطه مستمر با مبارزه و آزادی است و هر جا نافرمانی پایان یابد، ماهیت قدرت نیز دگرگون می‌شود (فوق، ۲۰۰۶).

۴-۶. تأثیرات راهبردی بر دیپلماسی و محیط منطقه‌ای

شهید سلیمانی به عنوان نماد اقتدار میدانی، الگوهایی را بنا نهاد که بال اجرایی سیاست خارجی محسوب می‌شوند. گسترش هنجارهای سیاسی مقاومت در روابط بین‌الملل، ضریب امنیتی ایران را به ثبات محور مقاومت گره زده است. از این رو، حمایت از حاکمیت‌های مستقل در عراق و سوریه و تقویت گروه‌هایی نظیر حزب‌الله، عمق استراتژیک نظام را افزایش داده است (آدمی، ۲۰۱۵). این گفتمان در تقابل با لیبرالیسم، توانسته است یکه‌تازی قدرت‌های استکباری را مهار کرده و روحیه‌ای سرکوب‌ناپذیر به ملل منطقه تزریق نماید (پوستینچی، ۲۰۱۲).

۴-۷. نظم نوین انقلابی در برابر نظم جهانی

نظریه نظم نوین انقلابی در چارچوب آرمان برپایی حکومت عدل جهانی معنا می‌یابد. این نظریه با الهام از آموزه‌های علوی، همسویی نظم داخلی و بین‌المللی را بدون اصلاح مناسبات میان ملت‌ها علیه رژیم‌های یاغی ناممکن می‌داند. یکی از مصادیق این عقلانیت، دیپلماسی نهضتی است که توانسته ملل ستمدیده را حول مدار مقاومت متحد کند. هدف غایی این سیاست، به صفر رساندن نفوذ نامشروع استکبار در منطقه است که در بیانیه گام دوم انقلاب به عنوان یک مانیفست قطعی مورد تأکید قرار گرفته است.

۴-۸. چالش‌های تئوریک و چشم‌انداز آینده

گفتمان مقاومت علیرغم موفقیت‌های میدانی، با چالش‌هایی در تثبیت دال‌های شناور خود روبروست. برای جلوگیری از ریزش نیرو و دستیابی به هژمونی کامل، نیاز به بازسازی مداوم نظری و تبدیل «اسطوره مقاومت» به یک «تصور اجتماعی همگانی» وجود دارد (دبیری‌مهر، ۲۰۱۳). قدرت‌های بزرگ با بحران‌سازی مداوم در صدد سلب فرصت بازسازی تئوریک از این گفتمان هستند؛ لذا ناتوانی در تبیین مؤلفه‌های فرهنگی می‌تواند مقدمه‌ای برای چالش‌های جدی‌تر در مسیر تمدن اسلامی باشد.

۴-۹. شهید سلیمانی؛ امتداد مکتب در کالبد امت

حاج قاسم سلیمانی فراتر از یک فرمانده، نماد جریانی است که توانست مرزهای اعتقادی را درنوردیده و نیروهای مختلف شیعه و سنی را بسیج کند. شخصیت ایشان به عنوان یک مکتب، قابلیت الگوپذیری برای نسل‌های آینده را دارد. ایشان با تلفیق روش‌های نرم و راهبردهای سخت، معادلات منطقه را به نفع ملل مظلوم تغییر داد. تشکیل ساختارهای دفاعی مردمی همچون فاطمیون و حشدالشعبی، محصول این نگاه تمدن‌ساز است که هدف نهایی آن اخراج سلطه‌گران و زمینه‌سازی برای حاکمیت عدالت مطلق است.

جدول ۲. شاخص‌ها و ابعاد ساختاری گفتمان مقاومت اسلامی

ابعاد گفتمان	شاخص‌های کلیدی	اهداف راهبردی
بعد اعتقادی	توحیدمحوری، تکلیف‌گرایی، پیوند انتظار و مقاومت	معنویت‌بخشی به کنش‌های سیاسی و نظامی
بعد سلبی	نفی سلطه، استکبارستیزی، رد سکولاریسم و تجاوزگری	فروپاشی هژمونی غرب و حذف نفوذ بیگانگان
بعد ایجابی	عدالت‌خواهی، حمایت از مستضعفان، استقلال‌طلبی	تشکیل حکومت عدل و احیای عزت مسلمین
بعد مدیریتی	شجاعت توأم با تدبیر، عقلانیت انقلابی، مردم‌داری	ارتقای کارآمدی نظام و پیوند قلبی با توده‌ها

بعد ژئوپلیتیک | تقویت محور مقاومت، دیپلماسی نهضتی، وحدت اسلامی | ایجاد نظم نوین انقلابی و تغییر معادلات جهانی

۵. استکبارستیزی در حوزه گفتمان مقاومت اسلامی بر اساس مبانی مکتب حاج قاسم سلیمانی

۱-۵. مکتب حاج قاسم در ساحت جامعه و اخلاق متعالی

مکتب اسلام به عنوان یک نظام جامع، تنها به بدیهیات اخلاقی اکتفا نکرده و بر تعیین مصادیق دقیق افعال اخلاقی و حدود آن‌ها از طریق وحی الهی تأکید می‌ورزد. این نظام اخلاقی بر جهان‌بینی خاصی استوار است که خداوند را مبدأ هستی و انسان را موجودی وابسته به او تعریف می‌کند. در این چارچوب، ارزش‌های بنیادین همچون ایمان و تقوا دارای رابطه‌ای علی و معلولی هستند. زمانی که از مکتب امام حسین (ع) سخن می‌گوییم، در واقع به یک جهان‌بینی اشاره داریم که بر اساس آن دستورالعمل‌های کنشی صادر می‌شود. چنان که در نامه‌های ایشان به مردم کوفه آمده است، پیشوای راستین کسی است که به کتاب خدا عمل کرده، راه قسط و عدل را طی نماید و وجودش را وقف فرمان الهی کند (مطهری، ۱۳۹۲).

امتداد این مسیر در دوران معاصر در مکتب امام خمینی (ره) تجلی یافت که شعبه‌ای از نهضت عاشورا با شعار هیهات‌منا‌الذله بود. مکتب شهید سلیمانی نیز در طول این جریان قرار دارد و به تعبیر مقام معظم رهبری، ایشان نمونه برجسته‌ای از تربیت‌یافتگان اسلام و مکتب امام خمینی (ره) محسوب می‌شوند. شهید سلیمانی در وصیت‌نامه خود، حضور در زمانه حاکمیت عبد صالحی چون امام خمینی و سربازی در رکاب ایشان را نعمتی بزرگ برمی‌شمارد. تبیین مکتب امام خمینی، راه را برای شناخت ابعاد عمیق استکبارستیزی در اندیشه شهید سلیمانی هموار می‌کند. این مکتب سرشار از سرمایه‌های فکری و معنوی است که بشریت تشنه آن بوده و مسیری نو پیش پای آیندگان قرار می‌دهد.

پایداری در مسیر حق، شاخصه اصلی این مکتب است. طبق آموزه‌های قرآن کریم، نصرت الهی نصیب کسانی می‌شود که اهل صبر، دعا و حلم باشند (بقره، ۲۵۰). شهید سلیمانی با مجاهدت در دوران دفاع مقدس و پس از آن در فرماندهی نیروی قدس، به نماد بین‌المللی مقاومت و استکبارستیزی تبدیل شد. علاقه نسل‌های جدید به این شخصیت نشان‌دهنده تداوم ارزش‌های انقلاب است. حضور میلیونی مردم در تشییع پیکر ایشان ثابت کرد که فضائل تولید شده در بستر انقلاب اسلامی، حوادثی تصادفی نیستند بلکه ریشه در یک مکتب اصیل دارند که قابلیت تئوریزه شدن در حوزه‌های علمی و دانشگاه‌ها را دارد. مدیریت کشور و نظام آموزشی باید با تکیه بر این الگو متحول گردد تا قهرمانان واقعی به نسل جوان معرفی شوند.

۲-۵. استکبارستیزی؛ پیوند میان میدان و دیپلماسی

یکی از ابعاد کمتر شناخته شده شهید سلیمانی، فعالیت‌های ایشان در عرصه بین‌الملل و دیپلماسی مقاومت بود. شجاعت و تدبیر توأمان ایشان تنها مختص میدان نظامی نبود، بلکه در عرصه سیاست نیز سخنی اثرگذار و قانع‌کننده داشتند. فرماندهی رزمندگان بدون مرز نیازمند حضور جدی در میدان مذاکره و تعاملات دیپلماتیک بود. مکتب ایشان بر پایه عقلانیت انقلابی استوار است؛ عقلانیتی که درک می‌کرد هزینه مقاومت به مراتب کمتر از سازش و تسلیم است. شهید سلیمانی نه یک استثنا، بلکه محصول فوق‌العاده‌ای از تفکر انقلاب اسلامی بود که آرمان‌های امام را برای نسل امروز بازپردازی کرد.

باید توجه داشت که شجاعت رزمندگان در این مکتب، برخاسته از عقلانیت بود و نه صرفاً احساسات. شهید سلیمانی به دلیل همین عقلانیت بر مقاومت تأکید داشت، زیرا می‌دانست سازش منجر به تحقیر ملی و نابودی امنیت می‌شود. ایشان به عنوان قدرتمندترین

مذاکره‌کننده در تاریخ دیپلماسی مقاومت، هرگز از محبوبیت خود سوءاستفاده نکرد و تمامی اعتبار خویش را وقف اصل انقلاب و امنیت کشور نمود. این ایمان عمیق و عمل‌گرایی مقتدرانه، پاسخی قاطع به تلاش‌های استکبار برای تحقیر ملت ایران بود. شهادت ایشان توسط دولت ایالات متحده، نشان‌دهنده استیصال دشمن در برابر این منطق استوار بود.

۳-۵. توحید و ولایت؛ ارکان بنیادین استکبارستیزی

اساس مکتب شهید سلیمانی بر دو پایه توحید و ولایت استوار است. ایشان همواره خود را سرباز ولایت می‌دانست و با اخلاص در این مسیر گام برمی‌داشت. ولایت‌مداری در اندیشه ایشان به معنای تبعیت محض از امامین انقلاب بدون هیچ‌گونه شک و شبهه بود. ایشان همواره دیگران را به ارتباط با خداوند و خلوت با سبحان دعوت می‌کرد و آن را مهم‌ترین داروی آرام‌بخش برای مجاهدان برمی‌شمرد. معرفت به خداوند موجب تسلیم در برابر رضای الهی و بی‌نیازی از قدرت‌های پوشالی مادی می‌شود (بی‌یهی، ۱۳۷۵). این توحید ناب، شهید سلیمانی را در معرفت الهی غرق کرد و او را به نماد پیرو راستین اسلام اصیل تبدیل نمود.

عشق به اسلام مایه اصلی حرکت ایشان برای عزت مسلمین بود. شهید سلیمانی مصداق بارز مبارزه با نظام سلطه و ظلم جهانی بود که زندگی خود را وقف دفاع از محرومان کرد. اندیشه ایشان بر پایه اسلامی بود که امام خمینی آن را تجدید بنا کرد؛ اسلامی که از غربت خارج شده و در برابر زورگویان جهان مرعوب نمی‌شود. این اسلام، دین عدل، قسط و عزت است که با استانداردهای دوگانه استکبار در تضاد ماهوی قرار دارد.

۴-۵. ابعاد اجتماعی و عدالت‌خواهی در مکتب سلیمانی

دین اسلام به عنوان یک آیین جامع، تمامی ابعاد زندگی انسان از جمله سیاست و نظام را در بر می‌گیرد. جدایی دین از سیاست در این مکتب معنا ندارد، زیرا احکام اجتماعی و نظامی اسلام بخش اعظمی از فقه را به خود اختصاص داده‌اند (جوادی آملی، ۱۳۷۸). شهید سلیمانی با تکیه بر همین جامعیت، در تمامی صحنه‌های اجتماعی حضور داشت و بسط عدالت را هدف اصلی خود قرار داد. طبق آیات قرآن کریم، هدف از ارسال پیامبران و نزول کتب آسمانی، قیام مردم به قسط و عدل است (حدید، ۲۵). ایجاد بستر مناسب برای رشد معنوی، اقامه نماز و امر به معروف در کنار توجه به نیازهای مادی، از اهداف والای مکتب ایشان بود. مسئولیت حکومت اسلامی در این نگاه، تنظیم برنامه‌های رفاهی و مبارزه با هرگونه فساد و ظلم است (حج، ۴۱). استکبارستیزی در این ساحت، به معنای رهایی انسان از عبودیت غیرخدا و شکستن طلسم ترس از قدرت‌های مادی است. بر این اساس، استقلال همه‌جانبه و عدم وابستگی به قدرت‌های بزرگ، از الزامات ایمان محسوب می‌شود (نساء، ۱۴۱).

۵-۵. راهبردهای توسعه‌گفتمان مقاومت

برای پیشرفت این گفتمان، پافشاری بر اصول و ارزش‌های الهی ضرورت دارد. جمهوری اسلامی نباید تحت هیچ شرایطی از آرمان‌های مقدس خود دست بردارد، زیرا خشم انقلابی علیه استکبار، پرچم اسلام را بر بام جهان برافراشته خواهد کرد. شناساندن ابعاد واقعی اسلام اصیل به جهانیان و مقابله با تهاجم فرهنگی که هویت جوامع را هدف قرار داده، از گام‌های اساسی در این مسیر است. فرهنگ، هویت یک جامعه را تشکیل می‌دهد و انحراف در آن منجر به پوچی و وابستگی سایر ابعاد می‌شود (خمینی، ۱۳۶۸).

تجهیز قدرت ملی و آمادگی در برابر دشمن، طبق آیه شریف واعدوا لهم ما استطعتم من قوه، تنها شامل ابزار نظامی نیست بلکه تمامی قدرت‌های مادی و معنوی را در بر می‌گیرد که منجر به پیروزی بر دشمن می‌شود. اجرای عدالت اجتماعی و حمایت از طبقات

محروم نیز از ارکان اصلی است که زمینه‌ساز توسعه اسلام اصیل در قالب نظام سیاسی است. حفظ وحدت بین مسلمانان و مشارکت فعال مردم، رمز بقای این حرکت است که می‌تواند دست استعمارگران را از منافع ملت‌های منطقه کوتاه کند.

۵-۶. معنویت، جهاد و دنیاگریزی در سیره سردار

معنویت در مکتب سلیمانی، کلید اصلی عروج به مراتب عالی انسانی است. این معنویت از طریق ترک معصیت و تقویت ذکر و فکر حاصل می‌شود. ایشان با تسلط بر نفس در عرصه جهاد اکبر، توانست در جهاد اصغر بر دشمنان پیروز شود. پیروزی‌های ایشان در مبارزه با تروریسم و خنثی کردن نقشه‌های استکبار، محصول بندگی و تقرب به خداوند بود. ایشان حتی در میانه عملیات‌های سخت همچون کربلای پنج، روح بندگی و تضرع را در میان نیروهای خود زنده نگه می‌داشت.

دنیاگریزی و مقام‌گریزی از دیگر ویژگی‌های بارز ایشان بود. با وجود دریافت عالی‌ترین نشان‌های نظامی، ایشان همواره خود را یک سرباز می‌نامید و در نهایت تواضع با مردم برخورد می‌کرد. ایشان با بصیرت نافذ خود، شهادت خویش را پیش‌بینی کرده بود و با قلبی نورانی به سوی سرنوست الهی گام برداشت. در جهان‌بینی ایشان، دنیا تنها گذرگاهی برای جمع‌آوری توشه آخرت است (نهج‌البلاغه، خطبه ۲۰۳). این روحیه ایثار و فداکاری، ایشان را به قهرمانی بی‌بدیل در تاریخ بشر تبدیل کرد که فراتر از مرزهای جغرافیایی مورد ستایش قرار می‌گیرد.

۵-۷. کارآمدی و بهره‌وری در مدیریت مکتب سلیمانی

الگوی مدیریتی حاج قاسم سلیمانی را نمی‌توان در قالب نظریه‌های محدود غربی تفسیر کرد. ایشان با ترکیب دو مؤلفه اثربخشی و کارایی، به بالاترین سطح بهره‌وری دست یافت. اثربخشی به معنای انجام کار درست و رسیدن به اهداف نهایی بود که در کارنامه بیست و دو ساله ایشان در نیروی قدس به وضوح مشاهده می‌شود. از شکست طرح‌های استکباری تا نابودی جریان‌های تکفیری، همگی نشان‌دهنده تحقق اهداف تعیین شده توسط رهبری است.

در بحث کارایی نیز، ایشان توانست با کمترین هزینه‌ها، بزرگترین پیروزی‌ها را رقم بزند. در حالی که ایالات متحده با اعتراف مقامات خود، تریلیون‌ها دلار در منطقه هزینه کرد و به نتیجه‌ای نرسید، جبهه مقاومت با بودجه‌ای بسیار اندک و با تکیه بر نیروهای مردمی، معادلات را تغییر داد. این مدیریت بهره‌ور که بر پایه تخصص، تعهد و اخلاص استوار بود، می‌تواند الگویی برای تمامی بخش‌های دولتی و اجرایی کشور باشد. تخصص ایشان در حوزه‌های نظامی و دیپلماسی در کنار تعهد بی‌نظیر به آرمان‌ها، از ایشان مدیری تحول‌خواه ساخته بود که محدود به تشریفات اداری نمی‌شد.

۵-۸. تداوم مکتب در افق آینده

خون شهید سلیمانی آغازگر نهضتی بزرگ در جهان اسلام است. شهادت ایشان نه تنها منجر به توقف این مسیر نشد، بلکه نورانیت و قدرت نفوذ مقاومت را چندین برابر کرد. مکتب سلیمانی با تکیه بر فرهنگ ایثار و شهادت، انسجام ملی و وفاق امت اسلامی را تحکیم بخشیده است. امنیت و آرامش امروز منطقه مدیون این مجاهدت‌هاست که هر دو وجه امنیت سخت و نرم را با هم ترکیب کرد.

برای آینده، ترویج این مکتب در متون درسی و فعالیت‌های فرهنگی ضرورتی انکارناپذیر است. بیدارگری، بصیرت‌افزایی و تبیین لزوم ولایت‌پذیری، از شاخص‌های اصلی برای تربیت نسل‌های راهرو این مکتب است. حاج قاسم سلیمانی به عنوان روح جمعی ملت ایران،

نماد شجاعت و تدبیری است که پرچم عزت را همواره برافراشته نگه خواهد داشت. این مسیر با شهادت ایشان پایان نمی‌یابد، زیرا اراده الهی بر پیروزی مستضعفان و وارثان زمین استوار است.

جدول ۳. مؤلفه‌های عملیاتی استکبارستیزی در مکتب شهید سلیمانی

مؤلفه ساختاری	ویژگی‌های کنشی و رفتاری	پیامد راهبردی در گفتمان مقاومت
عقلانیت انقلابی	ترجیح هزینه مقاومت بر ذلت سازش	خنثی‌سازی طرح‌های نفوذ و تجزیه منطقه
ولایت‌مداری عملی	تبعیت محض از رهبری بدون حزب‌گرایی	انسجام‌بخشی به جبهه بین‌المللی مقاومت
مدیریت بهره‌ور	کسب پیروزی‌های بزرگ با کمترین هزینه	شکست هژمونی اقتصادی و نظامی استکبار
عدالت‌خواهی فرامرزی	دفاع از حقوق مستضعفان بدون مرز	تولید قدرت نرم و جذب حداکثری ملل مظلوم
دیپلماسی میدان	اقناع سیاسی در کنار اقتدار نظامی	تغییر معادلات بین‌المللی به نفع بلوک شرق
تکلیف‌گرایی معنوی	اخلاص در عمل و پرهیز از تظاهر	پایداری در مسیر حق علیرغم فشارهای جهانی

۶. نتیجه‌گیری

یافته‌های این پژوهش بیانگر آن است که یکی از بنیادین‌ترین ثمرات انقلاب اسلامی، ایجاد ظرفیت «مکتب‌سازی» در درون ساختار سیاسی و اعتقادی جامعه است. معمار اصلی این جریان، امام خمینی (ره) بود که پس از دهه‌ها حاکمیت تفکر جدایی دین از سیاست در دوران پهلوی، توانست هویت اصیل اسلامی را بازتعریف نموده و بر پایه آن، نظام سیاسی مقتدری را بنیان نهد (فراستی، ۲۰۱۱). از دیدگاه ایشان، دوری از هویت دینی تحت تأثیر القانات غرب، نقطه خلأ نظام‌های پیشین بود؛ لذا با معرفی اسلام به عنوان یک مکتب تحرک و قیام، مسیر بازگشت به مجد و عظمت مسلمانان را هموار کردند (خمینی، جلد ۱۱). تمایز اساسی این نهضت با سایر الگوهای انقلابی جهان در این است که برخلاف ایدئولوژی‌های مادی که با مرگ رهبران‌شان دچار افول می‌شوند، مکتب امام خمینی (ره) دارای ماهیتی زاینده است که توانست شاخه‌های تنومندی همچون مکتب شهید سلیمانی را در بطن خود پرورش دهد. این تداوم ساختاری، راز اصلی ثبات و تقویت قدرت بازدارندگی ایران در مواجهه با فشارهای بین‌المللی محسوب می‌شود.

شهید سلیمانی به عنوان برجسته‌ترین ثمره این نظام تربیتی، تمام حیات خود را به تبلور آرمان‌های اصیل و حیانی اختصاص داد. مشی عملی ایشان در میدان‌های نبرد، از دوران دفاع مقدس تا فرماندهی جبهه بین‌المللی مقاومت، بازنمایی دقیق مفاهیم انتزاعی در قالب الگوهای عملیاتی بود. ایشان موفق شدند گفتمان مقاومت را از سطح نظری به سطحی راهبردی ارتقا داده و آن را به جوانان سراسر منطقه منتقل نمایند. نبوغ مدیریتی و میدان‌داری ایشان به گونه‌ای بود که حتی تحلیل‌گران ارشد آژانس اطلاعات مرکزی آمریکا نیز از وی به عنوان معمار اصلی موازنه قدرت در غرب آسیا یاد کرده‌اند که توانست با تکیه بر سازماندهی نیروهای مردمی، راهبردهای پیچیده استکبار جهانی را با شکست مواجه کند (پولاک، ۲۰۱۷).

بر پایه نتایج این تحقیق، مؤلفه‌های کلیدی استکبارستیزی در مکتب شهید سلیمانی را می‌توان در شاخص‌های ذیل خلاصه نمود که هر یک بخشی از منظومه فکری مقاومت را تشکیل می‌دهند:

نخست، ترویج فرهنگ شهادت‌طلبی به عنوان پیشران حرکت‌های انقلابی است. این فرهنگ که ریشه در واقعه عاشورا دارد، هویت‌بخش مبارزات سیاسی بوده و ترس از مرگ را که ابزار اصلی سلطه استکبار است، از میان می‌برد (خامنه‌ای، ۲۰۲۰). دومین مؤلفه، اخلاص

و خدامحوری بی‌نظیر در نیت و عمل است؛ شهید سلیمانی با پرهیز از تظاهر، شجاعت و تدبیر خود را تنها برای رضای الهی به کار گرفت و همین امر موجب حاکمیت ایشان بر قلب‌های ملل مسلمان شد. سومین شاخص، مردم‌داری و پیوند عمیق با توده‌هاست؛ سیره ایشان در بحران‌های اجتماعی نشان داد که مسئولیت در نظام اسلامی، نه یک جایگاه ریاستی، بلکه فرصتی برای خدمت بی‌منت به محرومان است. چهارمین رکن، عقلانیت انقلابی و بصیرت نافذ است؛ درک صحیح از ضرورت حضور فرامرزی و تشخیص دقیق نقشه‌های دشمن، مانع از انحراف جبهه مقاومت در برابر فتنه‌های پیچیده شد. پنجمین مؤلفه، تکلیف‌گرایی مطلق است که باعث می‌شد ایشان هرگز مصلحت‌های شخصی یا پست‌های سیاسی را بر وظایف شرعی و انقلابی ترجیح ندهند. در نهایت، اخلاق‌مداری در میدان نبرد و رعایت حدود شرعی، حتی در مواجهه با سخت‌ترین دشمنان، نشان‌دهنده برتری اخلاقی جبهه مقاومت بر مدعیان حقوق بشر در غرب است.

در یک جمع‌بندی کلی، تداوم و بالندگی انقلاب اسلامی در گرو هم‌افزایی دائمی میان مکتب امام و سیره عملی شهید سلیمانی است. استکبارستیزی در این مکتب، نه یک واکنش احساسی، بلکه یک راهبرد عقلانی و وحیانی برای حفظ عزت بشریت است. پیشنهاد می‌شود پژوهشگران در مطالعات آتی، با تمرکز بر داده‌های شفاهی و تجربیات هم‌زمان شهید، ابعاد کمتر شناخته شده این مکتب را تدوین نمایند. این رسالت بر عهده نهادهای علمی و فرهنگی است تا با طبقه‌بندی این یافته‌ها، الگوی جامعی برای تربیت نسل‌های آینده در پهنه تمدن اسلامی فراهم سازند.

منابع

- آدمی، ع. (۱۳۹۴). واکاوی وابستگی امنیتی ایران و جبهه مقاومت. تهران: انتشارات راهبردی.
- اکبری، ح. (۱۳۹۸). تقابل گفتمان مقاومت و گفتمان نظام سلطه (چهار جلد). تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- بایقی (بی‌هقی)، ا. (۱۳۷۵). تاج‌المصادر (به کوشش هادی عالم‌زاده). تهران: انتشارات مؤسسه مطالعات و تحقیقات فرهنگی.
- پرویزی، م. (۱۴۰۰). گفتمان مقاومت اسلامی و نقش شهید حاج قاسم سلیمانی در پیشبرد اهداف آن. دومین همایش ملی بازنمایی گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس بیانیه گام دوم، تهران.
- پولاد، ک. (۲۰۱۷). استاد شطرنج در غرب آسیا؛ واکاوی نقش منطقه‌ای ایران. واشنگتن: مؤسسه بروکینگز.
- پوستین‌چی، ز. و متقی، ا. (۱۳۹۰). زبان سیاسی مقاومت اسلامی در سیاست بین‌الملل. فصلنامه پژوهش‌های روابط بین‌الملل، (۱۱).
- تاجیک، م. ر. (۱۳۷۹). گفتمان و تحلیل گفتمانی. تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- تاجیک، م. ر. (۱۳۸۳). گفتمان، پادگفتمان و سیاست. تهران: مؤسسه توسعه علوم انسانی.
- جوادی آملی، ع. (۱۳۷۸). ولایت فقیه؛ ولایت فقاقت و عدالت. قم: نشر اسراء.
- حسینی‌زاده، م. ع. (۱۳۸۶). اسلام سیاسی در جمهوری اسلامی ایران. قم: انتشارات دانشگاه مفید.
- خزلی، ا. و ساداتی‌نژاد، س. ع. (۱۴۰۲). الگوی مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی مبتنی بر اندیشه‌های مقام معظم رهبری بر اساس کاربست تحلیل مضمون. نشریه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، (۲۲)۹۹.
- خمینی، ر. (۱۳۶۸). صحیفه نور (مجموعه رهنمودهای امام خمینی). تهران: مرکز نشر آثار امام خمینی.
- دبیری‌مهر، ا. (۱۳۹۲). مؤلفه‌های فرهنگی گفتمان مقاومت اسلامی در خاورمیانه. قم: پژوهشکده باقرالعلوم (ع).

- سلطانی، ع.ا. (۱۳۸۳). تحلیل گفتمان به مثابه روش و نظریه. فصلنامه علوم سیاسی، ۷(۲۸).
- فراتی، ع. (۲۰۱۱). رهیافت‌های مکتب‌سازی در انقلاب اسلامی و احیای هویت دینی. قم: نشر معارف.
- فوران، ج. (۱۳۸۵). مقاومت شکننده؛ تاریخ تحولات اجتماعی ایران (ترجمه احمد تدین). تهران: انتشارات رسا.
- قاسمی، ب. (۱۳۹۶). تأثیر انقلاب اسلامی بر تحولات جغرافیای سیاسی محور مقاومت در مقابل غرب. فصلنامه تخصصی تاریخ‌پژوهی ایران معاصر، ۳(۵۱).
- قاسمی، ب. (۱۴۰۱). نقش و جایگاه گفتمان انقلاب اسلامی در مقاومت انصارالله و توان دفاعی آن در یمن. دوفصلنامه مطالعات دفاع مقدس و نبردهای معاصر، ۴(۶).
- مجنون‌پیل‌رود، ر. (۱۴۰۲). طوفان الاقصی؛ طوفانی برای پایان نتانیاهو و حزب لیکود. فصلنامه آمریکاشناسی مرکز مطالعات راهبردی آمریکا، ۵(۲۳).
- مطهری، م. (۱۳۹۲). مقدمه‌ای بر جهان‌بینی اسلامی (مجموعه آثار). تهران: انتشارات صدرا.
- مک‌دانل، د. (۱۳۸۰). مقدمه‌ای بر نظریه گفتمان (ترجمه حسینعلی نوذری). تهران: انتشارات فرهنگ گفتمان.
- نوری گلجائی، ع. و سپهر، م. م. (۱۴۰۳). الگوی کارآمدی جبهه مقاومت در گفتمان انقلاب اسلامی بر اساس اندیشه آیت‌الله خامنه‌ای. فصلنامه رهنمون انقلاب اسلامی، ۱(۱).